

Absolute Criminal Responsibility for Drug Crimes in Iranian Criminal Law

Firouz Mahmoudi Janaki^{1*}, Seyed Abbas Yazdan Shenasi²

1. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

2. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran.

Abstract

The moral concept of criminal responsibility, which is one of the basic achievements of criminal law, has changed again with the advent of the industrial revolution in the Western world, including the United Kingdom, and the emergence of new crimes resulting from industrial and machine life. Part of the material element was not recognized as a condition for fulfilling the criminal responsibility of the accused. This new approach, known as absolute criminal liability, was initially applied to disciplinary offenses with light and financial penalties and had the aspect of compensation. After several decades, more serious crimes in the field of health, production, distribution and consumption of food and beverages, customs affairs and even the seizure of drugs and narcotics and psychedelics in this country were affected and many votes were issued based on this doctrine. However, such an approach, which was not to the taste of criminal law from the beginning, was not in line with the characteristics of the Iranian penal system and the criminal laws and regulations governing our country's drug crimes, which have full severity and strictness, as well as lack of clear text. And the evidence that the legislature intends to criminalize such behavior based on the doctrine of absolute responsibility, can not be considered drug crimes in Iran in this category of crimes.

Keywords: Absolute Criminal Responsibility, Common Law, Drug Crimes, Transfer of Burden of Proof, Deviation from the Principle of Innocence



Article Type:

Original Research


Pages: 25-50

Received: 2021 September 17

Revised: 2021 November 22

Accepted: 2022 January 03



 This is an open access article under the CC BY license.

*Corresponding Author: firouzmahmoudi@ut.ac.ir

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان

فیروز محمودی جانکی^{۱*}، سیدعباس یزدان شناس^۲

۱. دانشیار حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران.



چکیده

مفهوم اخلاقی مسئولیت کیفری که از دستاوردهای اساسی حقوق کیفری است با ظهور انقلاب صنعتی در جهان غرب از جمله کشور انگلستان و بروز جرایم جدید ناشی از زندگی صنعتی و ماشینی بار دیگر متحول شده و به تدریج احراز رکن روانی جرم در این گونه جرایم حداقل نسبت به بخشی از رکن مادی، شرط تحقق مسئولیت کیفری متهم شناخته نشد. این رویکرد جدید که تحت عنوان مسئولیت مطلق کیفری شناخته شده است، در ابتدا نسبت به جرایم انضباطی با مجازات‌های سبک و مالی اعمال گردیده و جنبه جبران خسارت داشت. پس از گذشت چند دهه جرایم جدی تر در زمینه امور بهداشت و درمان، تولید، توزیع و مصرف مواد خوردنی و آشامیدنی، امور گمرکی و حتی تصرف دارو و مواد مخدر و روانگردان را در این کشور متأثر نموده و آراء فراوانی برپایه این دکتترین صادر گردید لکن چنین رویکردی که از ابتدا نیز به مذاق حقوق کیفری خوش نیامده با ویژگی‌های نظام کیفری ایران و قوانین و مقررات کیفری حاکم بر جرایم مواد مخدر کشورمان که از شدت و سخت گیری کامل برخوردار است هم سو و منطبق نبوده و همچنین فقدان نص صریح و قرائن و اماراتی که حاکی از اراده قانونگذار در جرم انگاری این گونه رفتارها بر پایه دکتترین مسئولیت مطلق باشد، نمی‌توان جرایم مواد مخدر در ایران را در زمره این دسته از جرایم تلقی کرد.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۵-۵۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مطلق کیفری، کامن لو، جرایم مواد مخدر، انتقال بار اثبات، عدول از

اصل برائت

درآمد

مسئولیت کیفری یکی از مفاهیم اساسی هر نظام حقوق کیفری است چرا که بر پایه تعریفی که هر نظام از آن ارائه می دهد و با توجه به مصالح و منافع مورد نظر هر جامعه شرایط و نحوه تعقیب و مجازات شهروندان به سبب ارتکاب رفتار مخالف قانون کیفری تعیین می گردد و بدون تحقق شرایط مسئولیت کیفری تعقیب و مجازات متهم بی پایه و غیرقانونی است. اگرچه امروزه تقصیر مرتکب و وضعیت روانی او از جمله عناصر ضروری و انکارناپذیر مسئولیت کیفری در نظام های مختلف کیفری محسوب شده و قوانین اساسی و عادی کشورها ضرورت احراز آن را مورد تایید و تاکید قرار داده اند، در جوامع نخستین عنصر روانی جرم و به عبارتی تقصیر متهمان تأثیری در تحقق مسئولیت کیفری آنان نداشته و تئوری مسئولیت مادی بر مسئولیت کیفری حاکم بود و بر آن اساس صرف انجام رفتار مادی مجرمانه و ورود زیان و آسیب به دیگران بدون توجه به وضعیت روحی-روانی مرتکب موجب تعقیب و مجازات او می گردید (محسنی، ۱۳۷۶: ۷). در جوامع باستانی مسئولیت کیفری مختص افراد عادی و دارای بلوغ جسمانی و فکری نبوده و دیوانگان و حیوانات و حتی اشیا را نیز در بر می گرفت و مجازات ها غالباً بسیار شدید و غیرانسانی بوده و حتی به شخص مرتکب نیز محدود نمی گردید بلکه اعضای خانواده و قبیله او را نیز شامل می شد (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵). تحت تأثیر تعالیم ادیان الهی از جمله اسلام، مسیحیت و اندیشه های اندیشمندان اجتماعی مفهوم مسئولیت کیفری با تحولات جدی روبرو گردیده و ماهیت صرفاً مادی خود را دست داد و وضعیت روانی مرتکب رفتار مجرمانه مورد توجه قرار گرفت. مبنای این تحول اصل استقلال فردی است و بنا به نظر اندیشمندان حقوق کیفری رفتار انسانی آزادانه بوده و وجود چنین قابلیتی فرد را به عنوان عامل اخلاقی معرفی می نماید.

رویکرد اخلاق مدارانه و ضرورت اثبات مسئولیت های اجتماعی و به طور کلی تقصیر متهم به عنوان شرط اساسی احراز بزهکاری متهم و اعمال مجازات نسبت به وی مورد توجه نظامهای کیفری قرار گرفت (داف^۱، ۲۰۰۷: ۲۳۳) «اصل استقلال فردی» اقتضا داشت که دولت ها در فرآیند جرم انگاری به تامین حداکثری حقوق، آزادی و

1 DUFF.

منافع فردی و تقدم آنها بر سایر منافع همت بگمارند و حتی الامکان از تعرض به حقوق و آزادی های او خودداری نمایند. اما از آنجاکه با وقوع انقلاب صنعتی و رشد و توسعه صنعت و فناوری در غرب و همزمان با دگرگونی شیوه زندگی بشر نیازهای اساسی و حیاتی جوامع انسانی از موضوعات و مفاهیم فردگرایانه از قبیل آزادی، معیشت، امنیت و رفاه شخصی فراتر رفته و موضوعات مهم تری مانند رفاه و امنیت عمومی و مصالح و منافع اجتماعی که حیات جامع به آنها بستگی دارد نمایان گردید. پدیده هایی مانند اسلحه گرم، مواد مخدر، سوء جریان در امر تولید و توزیع مواد غذایی، فعالیت های اقتصادی و صنعتی حیات جامعه بشری را تهدید می نمود و از سویی تئوری مسئولیت اخلاقی مبتنی بر رعایت حقوق فردی پاسخگوی نیازها و مشکلات تازه نبود و از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی اندیشه مسئولیت کیفری بدون تقصیر مطرح گردید. این اندیشه نخست در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی (کامن لو) از جمله کشور انگلستان و آمریکا مطرح گردیده و به تدریج و با گذشت چند دهه با اقبال دادگاه ها و مراجع قانون گذاری این کشورها مواجه گردید و اگرچه از همان ابتدا با انتقادات جدی مخالفان مواجه شد اما در هر حال سیستم های حقوقی دیگر کشورها از آن متأثر گردیدند. البته اصطلاح مسئولیت کیفری بدون تقصیر عنوان کلی بوده و جرایمی مانند جرایم مادی صرف، مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت کیفری مطلق را در بر می گیرد. منظور از مسئولیت کیفری مطلق^۱ عدم ضرورت اثبات تقصیر متهم^۲ حداقل نسبت به قسمتی از رکن مادی جرم^۳ ارتكابی است. دکتربین مسئولیت کیفری در کشور انگلستان در جرایم عرفی^۴ به ندرت و به وفور در جرایم موضوعه^۵ به ویژه در جرایم انتظامی^۶ اساس و مبنای وضع قوانین کیفری گردیده است.

متهم در ارتکاب جرم با مسؤولیت مطلق به منظور اثبات بی گناهی خود و رهایی از مجازات امکان توسل به برخی دفاعیات شناخته شده را دارا است؛ از جمله

- 1-Strict Liability
- 2-Mens Rea=Fault element
- 3-Actus Reus
- 4-Common Law crimes
- 5-Statutory offences
- 6-Regulatory offences

دفاع «رعایت احتیاطات لازم و ممکن»، به کارگیری تمام اقدامات و انجام وظایف قانونی یا دفاع اشتباه موضوعی^۱ در حالی که در جرایم مادی صرف هیچ دفاعی برای متهم قابل تصور نبوده و امکان توسل به آنها برای وی فراهم نیست.

جرایم مرتبط با مواد مخدر و ممنوعه از جمله جرایمی هستند که دادگاه‌ها تحت تاثیر دکترین جدید مورد رسیدگی قرار می دهند که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت و با عنایت به اینکه جرایم یاد شده در کشور ما نیز در زمره تهدیدات گسترده و اساسی نسبت به منافع عمومی و حیات اجتماعی محسوب می گردند و نظام کیفری ما سیاست کیفری سخت گیرانه ای^۲ در برابر مرتکبین این گونه جرایم در پیش گرفته در ارائه پاسخ به این پرسش که آیا قانونگذاری و رویه قضایی کشورمان نیز تحت تاثیر این رویکرد قرار گرفتند یا خیر تلاش به عمل خواهد آمد.

بر خلاف کشورهای دارای حقوق عرفی (کامن لو) که نهاد مسئولیت کیفری مطلق از خواستگاه، سپر تحولات تاریخی و قانونی مشخص و دارای جایگاه معینی برخوردار بوده و نه تنها رویه دادگاه‌ها بلکه قوانین موضوعه گوناگونی، بر پایه این سیاست وضع گردیده و در حال اجرا می باشد، در حقوق کیفری کشور ما این موضوع مهم بوده و از وضعیت روشنی برخوردار نیست و واجد مبانی و سوابق نظری و عملی قابل توجهی نمی باشد. مهم ترین سوالاتی که نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخ گویی به آنان هستند از قرار ذیل است: معیارهای تشخیص جرایم با مسئولیت مطلق چیست؟ مسئولیت کیفری مطلق در جرایم مواد مخدر در ایران را قابل تصورات است؟

۱. پیشینه تحقیق

حسینی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت کیفری مطلق در جرایم یقه سفیدان»، نگارنده به این نتیجه رسیده است که توجه به مسئولیت کیفری مطلق در باره‌ی این جرایم، مورد تأکید نهادهای بین‌المللی نیز قرار گرفته و ایران نیز با وجود پذیرش موضوع براساس کنوانسیون مریدا؛ در مقررات کیفری خود اقدام مؤثری انجام

1-Mistake of fact.

۲. برای اطلاعات بیشتر از سیاست کیفری سخت گیرانه در نظام تقنینی ایران می‌توانید ر.ک به (کرامتی معز و حسن آبادی، ۱۴۰۰).

نداده است. با عنایت به اقتضای سیاست جنایی افتراقی در برابر مفاصد اقتصادی یقه سفیدان پژوهش حاضر در پی اثبات این است که بر حسب ادله معتبر شرعی در مفاصد اقتصادی یقه سفیدان و منسوبان به دولت، مسئولیت کیفری مطلق برقرار بوده و در باره آنان وجود رکن روانی مفروض است.

میرخلیلی و سالاری فر (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بازنگری رکن روانی جرم در جرائم زیستی و نگاه اسلام به آن» به این نتیجه رسیده اند که امروزه در بسیاری از موارد در جرائم زیست محیطی، مسئولیت اعم از حقوقی و کیفری بدون نیاز به احراز تقصیر و رکن روانی بر مرتکب بار می‌گردد. مسئولیت بدون تقصیر که به اشکال مختلفی در ادبیات حقوقی منعکس گردیده است، به نادیده گرفتن و یا مفروض قلمداد نمودن تقصیر و رکن روانی اشاره داشته و با قابلیت سرزنش پذیری مرتکب ارتباط دارد. اگرچه اصل برائت اقتضا دارد تا رکن روانی جرم نیز همانند ارکان دیگر جرم، اثبات گردد، لیکن در جرائم در جرائم زیست محیطی، با توجه به اهمیت این جرائم و خسارات غیر قابل جبران در این زمینه پس از ارتکاب جرم و به دلیل افزایش ریسک ارتکاب جرم، باعث افزایش نظارت‌ها و به نوعی افزایش بازدارندگی خواهد بود و با اصول پذیرفته شده در حقوق محیط زیست همانند اصل احتیاط، اصل پیشگیری، اصل پرداخت توسط آلوده ساز و اصل جبران خسارت هماهنگ است.

جانی پور و عباسی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک» در جرایم کیفری، جهت تحمیل مجازات بر مجرم، ضروری است که عنصر مادی و عنصر روانی فعل به طور هم زمان وجود داشته باشند. ولی در قانون استثنائاتی وجود دارد که قانون‌گذار برای جلوگیری از ارتکاب بعضی رفتارهای خطرناک و حمایت از منافع عمومی، مقرراتی را وضع نموده که انجام آن عمل را به جهت مشکل بودن اثبات سوءنیت، صرف هزینه‌های زیاد، اطاله دادرسی و ... به طور مطلق ممنوع کرده است. این فرآیند که «مسئولیت مطلق یا مسئولیت کیفری بدون تقصیر» نامیده می‌شود، موجب کیفر مرتکب خواهد شد، اگرچه عنصر روانی لازم را نداشته باشد؛ به عبارتی، اعم از اینکه هدف او نقض قانون باشد یا نباشد؛ این اصل از حقوق کیفری موجب می‌شود که در مواقعی مجازات بر فرد «بدون تقصیر» تحمیل شود.

شاهچراغ (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر حقوق کامن لو»، به این نتیجه رسیده است که ظهور انقلاب صنعتی در سده‌ی نوزدهم میلادی، گذشته از تحولات اقتصادی جوامع پیشرفته، تغییر و یا اصلاح برخی نهادها و مفاهیم رایج کیفری را به همراه داشت. از جمله‌ی این تغییرات بنیادین، پاسخ منفی بدین پرسش بود که آیا در خصوص جرایم جدید ناشی از زندگی صنعتی و ماشینی، باید هم‌چنان به مانند گذشته بر ضرورت احراز عنصر معنوی تأکید ورزید؟ نتیجه، جرم‌انگاری اعمالی بود که مسئولیت مرتکب آن بر احراز عنصر معنوی جرم اعم از عمد یا تقصیر جزایی مبتنی نبوده، یا آن که وجود عنصر مذکور مفروض تلقی و دادستان دیگر تکلیفی به اثبات آن نداشت، بلکه همانند مسئولیت مدنی اثبات ورود خسارت، ارتکاب رفتار زیان‌بار توسط متهم و احراز رابطه‌ی سببیت بین آن دو مؤلفه برای محاکمه و مجازات مرتکب کافی بود. به این‌گونه جرایم، «جرایم مادی» و یا «جرایم مبتنی بر مسئولیت مطلق کیفری» اطلاق می‌شود.

احدی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم و قلمرو جرائم با مسئولیت مطلق» نگارنده به این نتیجه رسیده است که در تعریف این نوع جرایم نبایستی از مفروض بودن عنصر روانی سخن گوئیم تنها به این دلیل که در موارد اجبار وفورس ماژور بتوانیم دفاعی برای رفع مسئولیت داشته باشیم همان‌طور که بعضی از حقدانان اشاره می‌کنند اراده دو صورت دارد: داخلی و خارجی که اراده داخلی در حوزه عنصر روانی و اراده خارجی در حوزه عنصر مادی است و در اجبار مادی وفورس ماژور آنچه از بین می‌رود اراده خارجی است چون عمل غیرارادی شده و تاب عنوان عنصر مادی را ندارد و در حقیقت عنصر مادی مخدوش است و نوبت به بررسی عنصر روانی نمی‌رسد پس در عمل در چنین مواردی به مشکل نخواهیم خورد تا مجبور به مفروض دانستن عنصر روانی باشیم.

۲. روش تحقیق

در این مقاله، نگارندگان از روش تحلیلی و با بررسی منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و منابع اینترنتی، قوانین و مقررات و بهره خواهد بود و البته با عنایت به کمبود منابع فارسی زبان در این زمینه و تطبیقی بودن

پژوهش از منابع انگلیسی زبان اعم از کتاب و مقاله و سایت‌های اینترنتی استفاده بیشتری خواهد شد چراکه منابع فارسی موجود که انگشت شمار نیز هستند با تکیه بر منابع حقوقی داخلی عمدتاً به بررسی سیر فلسفی و حقوقی مسئولیت کیفری و حول محور رکن روانی بوه پرداخته اند. لیکن در این مقاله به نحو وسیع تر به بررسی قوانین و مقررات حاکم بر نظام کیفری ایران به ویژه قوانین وضع شده در زمینه‌های خاص و رویه قضایی و نظریات احتمالی شورای نگهبان و تطبیق با رویه و سوابق قضایی و قوانین موضوعه کشور انگلستان و برخی کشورهای مشترک المنافع مبادرت خواهد شد.

۳. معیارهای تشخیص جرایم با مسئولیت مطلق

قاضی لرد اسکارمن در پرونده مشهور گامن در سال ۱۹۸۵ در جریان رسیدگی و اظهار نظر قضایی به بیان برخی نظرات و استدلال‌ها پرداخت که در بردارنده معیارهایی جهت تمیز جرایم با مسئولیت مطلق بوده و پس از او نیز حقوقدانان و مفسران به بحث و بررسی گسترده پیرامون موضوع پرداخت، ماحصل آنها ارائه معیارهایی است که به تشخیص این موضوع کمک خواهد کرد (Loveless Janett; ۲۰۱۲:۱۸۴). اعم این معیارها عبارتند از:

۱-۳. ماهیت جرم ارتكابی: یکی از معیارهای مهم تشخیص جرایم با مسئولیت کیفری مطلق ماهیت جرم ارتكابی است، زیرا پدیده مسئولیت مطلق کیفری را زاده انقلاب صنعتی و در جهت پاسخگویی به مسائل و مشکلات ناشی از آن می‌دانند بنابراین، رویکرد جدید اصولاً جرایم غیرسنتی و با اصطلاح جرایم انتظامی^۱ که با هدف صیانت از سلامت و امنیت عمومی اجتماع و استمرار حیات جامعه وضع شده اند اختصاص داشته و به ندرت به حوزه جرایم حقیقی^۲ و سنتی تعمیم داده میشود و ماهیت جرم ارتكابی اقتضاء میکند که با اثبات ادعا از عهده مقام تعقیب بر عهده متهم انتقال یابد. (Elliott and Queenn; ۲۰۱۴:۴۱)

۲-۳. موضوع جرم: پیچیدگی فعالیتهای اقتصادی در جامعه نوین و گسترده‌تری آن‌ها به گونه ای است که با توسل به شیوه سنتی و اخلاقی نمی‌توان در برابر خطرات و

1-Regulatory Offences

2-Truely crimes

زیان های گسترده و اساسی آن ها منافع و مصالح عمومی را تامین نموده چراکه احراز رکن روانی جرم به سبب فعالیت های یاد شده امری غیرممکن یا بسیار دشوار است و با توسل به رویکرد مسئولیت مطلق بهتر و موثرتری می توان فعالان رفتارهای خطرناک را به رعایت قوانین و مقررات و در نتیجه حفظ حقوق عامه و ادار و ترغیب نمود. موضوعاتی مانند سلامت و دارو و مواد و داروهای خطرناک چنین ویژگی هایی داشته و اعمال دکترین جدید را توجیه می کنند.

۳-۳. زبان واژه ها: یکی دیگر از شیوه ها و معیارهایی که در شناخت و تمیز قوانین مبتنی بر تقصیر از قوانین مبتنی بر مسئولیت مطلق مورد توجه و استفاده نویسندگان و مفسران حقوق کیفری است، بررسی واژه ها و عبارات تشکیل دهنده جرم مورد بحث یا به اصطلاح زبان واژه ها می باشد زیرا اصولاً قانون در این خصوص ساکت بوده و تکلیف را به روشنی مشخص نکرده لکن با به کارگیری واژه ها و عباراتی هدف و اراده خود را تفهیم می نماید. این معیار که از جمله مهمترین و کاربردی ترین روش های شناخته شده در حقوق کشور انگلیس است در بررسی مقررات کیفری کشور ما به ویژه قوانین راجع به جرایم مرتبط با مواد مخدر می تواند مثر ثمر بوده و تجزیه و تحلیل اینگونه جرایم را آسان تر نماید.

به عقیده نویسندگان حقوق کیفری، واژه هایی مانند: با سوء نیت^۱، عالماً^۲، عمداً^۳، از روی قصد^۴، از روی بی فکری^۵، ظالمانه^۶، متقلبانه^۷، مجاز بودن^۸، خدعه^۹ بدخواهانه^{۱۰} در عبارات یک قانون بیانگر ضرورت احراز تقصیر متهم در ارتکاب یک جرم است، در مقابل، به کارگیری برخی از واژه ها از سوی قانونگذار در برخی از قوانین

-
- 1-maliciously
 - 2-knowingly
 - 3-wilfully
 - 4-intentionally
 - 5-wantonly
 - 6-corruptly
 - 7- fraudulently
 - 8-Allows permit suffer
 - 9-evade
 - 10- crully

موضوعه حاکی از اراده وی در اعمال مسئولیت کیفری مطلق نسبت به مرتکبین جرایم مربوطه است.

کلماتی مانند موجب شدن^۱، تصرف^۲، استفاده کردن^۳، و اجازه^۴، از این دسته اند. بر همین اساس در پرونده «برات» علیه «کراگو»^۵ متهمی که اتومبیل فاقد بیمه نامه خود را در اختیار فرد دیگری قرار داده و به او اجازه رانندگی با آنرا داده بود، صاحب اتومبیل، بدون ضرورت احراز تقصیر مجرم شناخته شد. جرایم زیادی در قوانین کیفری کشور انگلیس وجود دارند که در بر دارندة وضعیتی است که متهم شیء ممنوعه ای در تصرف دارد. اشیایی مانند مواد مخدر، دارو، اسلحه و مهمات در زمره اینگونه اشیاء هستند. بعنوان مثال ماده ۵ قانون سلاح گرم مصوب سال ۱۹۶۸ این کشور مقرر می دارد. هرکس بدون مجوز از مراجع ذیصلاح، سلاح گرم، وسیله ای که برای شلیک ساخته شده یا تغییر وضعیت داده شده را در تصرف داشته باشد مرتکب جرم شده است که در پرونده آرعلیه دیامی در سال ۲۰۰۷ دادگاه با همین استدلال و تفسیر از عبارات قانونی به ویژه واژه "تصرف"، بدون توجه به دفاع متهم مبنی بر اینکه نمی دانسته شیئی مکشوفه از تصرف وی، سلاح محسوب است مجرم شناخته شد (Christian؛ ۲۰۱۶:۳۴۵).

۴. مسئولیت کیفری مطلق در جرایم مواد مخدر در ایران

۴-۱. نگره داشتن و تصرف مواد مخدر

در نظام حقوقی ایران نیز همانند کشور انگلستان قوانینی وجود دارد که در آنها به ضرورت احراز تقصیر در ارتکاب آن هاتصریح نشده بلکه از واژه هایی استفاده گردیده که با رویکرد مسئولیت کیفری مطلق قابل انطباق اند. از جمله قوانین ناظر بر آلودگی محیط زیست و حمل و نقل جاده ای امور گمرکی، امنیتی و نظامی و داروها. بر خلاف کشور ما در نظام قضایی انگلستان با توجه به مفاهیم و معانی کلمات گفته شده چه در رویه قضایی دادگاه ها و چه توسط مفسران و نویسندگان حقوق کیفری بحث و

1-cause

2-possession

3-use

4- permit

5-Brat V. Cargo,1975

جدل فراوان شده و بر این اساس تصمیم‌گیری به عمل آمده است. به عنوان مثال اصطلاحاتی از قبیل موجب شدن، استفاده کردن و مشتقات آن دلالت بر مسئولیت مطلق دارد و شخصی که با رفتار خود موجب پدید آمدن وضعیت، حادثه یا نتیجه ای می‌گردد خواه عمد و آگاهانه یا از روی غفلت و بی‌تفاوتی، مسئول نتایج خلاف قانون رفتار خود است مگر اینکه با توسل به برخی دفاعیات مانند "علل قهری"، "اجبار" و "تقصیر شخص ثالث"، بتواند خود را از زیر بار مسئولیت کیفری برهاند در این زمینه در حقوق انگلیس پرونده‌های فراوانی می‌توان مثال زد از جمله در پرونده وارمر علیه کمیسر پلیس در سال ۱۹۶۸ که متهم در حال حمل دو جعبه حاوی عطر و دیگری حاوی مواد مخدر دستگیر و مورد محاکمه قرار گرفت و ادعای او مبنی بر این که تصور می‌نموده هر دو جعبه حاوی عطر بوده و از ممنوع بودن آن آگاهی نداشته مردود دانسته و به جرم تصرف ماده ممنوعه محکوم گردید اگر چه در ماده ۲۸ قانون سوء مصرف داروهای تحت کنترل ۱۹۷۱ امکان توسل به این دفاع برای متهم پیش‌بینی شد که بتواند اثبات نماید از محتویات مواد مکشوفه آگاه نبوده یا نسبت به آن ظن نداشته و دلیل مقعولی بر ظن او نسبت به ممنوعه بودن محتویات بسته حمل شده وجود نداشته است. با مقایسه نحوه نگارش بند های ۱ و ۲ ماده ۵ قانون سوء مصرف مواد مخدر ۱۹۷۱ کشور انگلیس که حاکی است قانونگذار این کشور مسئولیت کیفری مرتکب را منوط به احراز سوء وی نموده (Herring, Jonathan; ۲۰۱۳:۵۵) با سیاق و شیوه نگارش قوانین مرتبط با تصرف مواد مخدر در کشور ایران چنین برداشت می‌گردد که جرم انگاری تصرف مواد مخدر در کشور ما با نگرش قانونگذار انگلیسی قابل تفسیر و انطباق نیست.

زیرا ماده ۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ و اصلاحیه سال ۸۹ کشور ما که قانون عمده مبارزه با مواد مخدر محسوب می‌گردد مقرر نموده است نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفاء، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی جرم است. و ماده ۵ قانون یاد شده نیز مقرر نموده "هرکس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ که شامل تریاک و مشتقات آن، مواد روان‌گردان صنعتی و غیر دارویی می‌شود را خریداری، نگهداری، مخفی و یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردد".

ماده ۸ قانون مورد بحث که به هروئین و مورفین و کوکائین و دیگر مواد مخدر و روانگردان اختصاص دارد نیز اقدام به حمل و نگهداری مواد موضوع خود را با همین سیاق جرم انگاری نموده است. ماده ۳ این قانون نیز مقرر نموده «هرکس بذریاگرز خشخاش یا بذریاگرزکوکا یا بذرشاهدانه را نگهداری، یا حمل کند به یک تاسی میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

مداقه در جرم انگاری های صورت گرفته بموجب مواد ذکر شده و با توجه به مفهوم محدود و رایج بیانگر اراده قانونگذار در ایجاد جرایم با مسئولیت مطلق و عدم ضرورت احراز رکن روانی به مفهوم متداول نمی باشد زیرا عبارات و واژه هایی که از آن حذف رکن روانی جرم مستفاد گردد مشاهده نمی شود. ماده ۳ قانون مورد بحث از این حیث گویاتر به نظر می رسد زیرا قانون گذار در ذیل آن در مورد بذریاگردان ضرورت قصد متهم در تولید مواد مخدر و روانگردان های صنعتی را قید نموده است. موید این استنباط، ماده یک اصلاحی مصوب ۸۹/۹/۵ قانون اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر نیز می باشد. چنین سیاستی در ماده ۱۲ اصلاحی ۱۳۸۹/۹/۵ قانون یاد شده نیز به کار گرفته شده؛ زیرا مقرر می دارد هرکس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند یا برای تولید مواد مخدر یا روانگردان های صنعتی غیر دارویی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر اجماع کشت مجازات می شود و صرفاً در صورت احراز قصد متهم مبنی بر تهیه مواد مخدر یا روانگردان صنعتی، جرم و قابل مجازات دانسته شده است (لولاچی و عبداللهی، ۱۳۹۶: ۴۲).

ماده ۸ قانون اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۹ به ویژه تبصره ۱ بند ۶ آن نیز از این جهت قابل تامل و بررسی است. زیرا از آنجا که بر اساس بند ۶ ماده مورد بحث چنانچه میزان مواد موضوع آن ۳۰ گرم باشد مجازات مرتکب اعدام است. با توجه به شدت و خشونت حداکثری مجازات تعیین شده شرایطی را با هدف ایجاد امکان و فرصت رهایی از مجازات اعدام برای مرتکب در نظر گرفته است. از جمله ارتکاب جرم برای بار اول، عدم موفقیت در توزیع یا فروش و اینکه مواد بیش از یکصد گرم نباشد، با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، مجازات اعدام را به حبس ابد کاهش می دهد. در قانون مبارزه با مواد مخدر مواد متعددی را می توان برشمرد که تحقق مسئولیت کیفری متهم به احراز رکن روانی جرم و به ویژه قصد

وی مشروط گردیده و از این نکته می توان استنباط نمود که قانونگذار، آگاهانه در برخی جرایم مانند جرم تصرف مواد مخدر به ایجاد مسئولیت مبتنی بر تقصیر نظر داشته و رکن روانی جرم را شرط احراز بزهکاری متهم می داند. مانند ماده ۱۳ اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۹ که بیان می دارد « هرکس واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن و تولید یا توزیع مواد مخدر یا روانگردان های صنعتی غیره دارویی مورد استفاده قرار دهد یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری قرار دهد و نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امر شود، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوطه لغو و واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می گردد ». همانگونه که مشخص است قانونگذار در ماده فوق با به کارگیری واژه های « برای قصد » و « بدین منظور » و « اطلاع یا اجازه مالک » احراز سوء نیت و قصد صاحب ملک را شرط تحقق مسئولیت کیفری و مجازات او دانسته و البته لازم به ذکر است که لغو مجوز و ضبط محل موضوع این ماده نوعی مجازات بوده و نظریه شماره ۷/۹۳/۲۵۱۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در بردارنده همین مفهوم و استنباط است (شقایقی، ۱۳۹۴: ۶۵).

۲-۴. جرم دایرکردن یا اداره مکان به منظور استعمال مواد مخدر

بر خلاف حقوق کیفری انگلستان در خصوص جرائم دیگر مرتبط با مواد مخدر و روانگردان، قانونگذار ما دیدگاه دیگری داشته و به صراحت بر ضرورت احراز رکن روانی جرم تاکید دارد. در نظام کیفری انگلیس پرونده های متعددی در خصوص دایرکردن یا اداره مکان جهت استعمال مواد مخدر می توان برشمرد، که دادگاه رسیدگی کننده علیرغم عدم احراز سوء نیت و به کلی تقصیر متهم وی را بزهکار شناخته و به مجازات محکوم نموده است. از جمله پرونده سوئیت علیه بارزلی در سال ۱۹۶۵ یا پرونده یاندل و دیگران علیه فیشر که در اینگونه پرونده ها حتی در صورتی که متهم در محل استعمال مواد مخدر حضور نداشته و از این اقدام دیگران در آن مکان اطلاع نداشت و حتی در حالتی که مکان دایر شده دارای مجوز فعالیت بوده و یکی از مشتریان در گوشه ای و بدون اطلاع مدیر، مواد مخدر استعمال نمود توسط دادگاه مجرم تشخیص داده

شده اما در نظام، کیفری کشور ایران چنین رویکردی توسط قانونگذار اتخاذ نشده و احراز تقصیر متهم در اثبات بزهکاری اش ضروری تشخیص داده شده است. ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (اصلاحیه ۱۳۸۹/۵/۹) در این خصوص مقرر می‌دارد مقرر می‌دارد «هرکس به منظور استعمال مواد مخدر یا روانگردان های صنعتی غیر دارویی مکانی را دایره یا اداره کند به ۵ میلیون تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضرب شلاق و یک تا دو سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌گردد». قانونگذار با به کار بردن واژه «به منظور» در ابتدای ماده قصد و سوءنیت متهم در دایره یا اداره کردن چنین مکانی را شرط لازم و ضروری اثبات بزهکاری او دانسته است.^۱

مداقه در برخی دیگر از جرایم منعکس در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحات آن، بیانگر این حقیقت است که قانون گذار در جرایم اخیر به ایجاد جرایم مبتنی بر تقصیر پرداخته و رویکرد قانون گذار در این دسته از جرایم به اصل ضرورت رکن روانی باز می‌گردد. به صورت نمونه ماده ۲۱ قانون مذکور که بیان می‌دارد: «هرکس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب یا در حین دستگیری است عالماً و عامداً پناه یا فراری دهد یا در پناه دادن یا فراری دادن او همکاری کند در هر مورد به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن را فراری یا پناه داده محکوم می‌شود». در همین راستا ماده ۲۳ قانون اصلاحی قانون مورد بحث نیز مؤید همین دیدگاه است چرا که مقرر می‌دارد ((هرکس عالماً و عامداً به امحاء یا اخفاء ادله جرم مواد مخدر یا روانگردان های صنعتی غیر دارویی اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم محکوم می‌شود)) (لولاچی و عبدالهی، ۱۳۹۶: ۷۶). به نظر می‌رسد سیاست قانونگذار ایرانی در قبال جرائم مربوط به تصرف مواد مخدر پس از انقلاب نسبت به قبل از آن در یک راستا بوده و قبل از انقلاب نیز علم و عمد مرتکب اینگونه جرایم را شرط ضروری تحقق مسئولیت کیفری او می‌دانست چرا که به موجب ماده سه قانون مربوط به مواد روانگردان (پسیکو تروپ) مصوب ۱۳۵۴/۲/۸ مقرر نموده بود ((هرکس مواد مندرج در فهرست شماره ۱ را بسازد یا "برای فروش" عرضه کند و یا بدون اجازه وزارت بهداشتی

۱. نظریه شماره ۷/۹۳/۲۲۳۱ - ۱۳۹۳/۹/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز بیانگر ضرورت احراز علم و عمد و سوءنیت مرتکب چنین جرمی در احراز بزهکاری و مجازات او می‌باشد.

"عالمًا" وارد یا نگاه داری یا حمل نماید به مجازات های زیر محکوم خواهد شد)). که منظور از فهرست شماره یک، مصوبه مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۳ هیات وزیران راجع به فهرست های چهارگانه اقلام به روز شده مواد روانگردان می باشد بدیهی است هرگاه در جرم دایر کردن یا اداره مکان بمنظور استعمال مواد مخدر، اراده قانونگذار بر ضرورت احراز رکن روانی جرم باشد در جرم حمل و نگهداری مواد مخدر و روانگردان با عنایت به شدت فراوان مجازات های تعیین شده که حتی مجازات سلب حیات را نیز در بر می گیرد عقل و منطق قضایی اقتضا دارد بطریق اولی احراز روانی جرم شرط ضروری تحقق مسؤولیت کیفری مرتکب باشد.

۵. رویه قضایی

با بررسی آراء صادره از دادگاه های انقلاب اسلامی در خصوص جرایم مواد مخدر به ویژه جرایم حمل و نگهداری مواد مخدر و روانگردان های صنعتی غیر دارویی در ظاهر به نظر می رسد رویه محاکم چنین بوده که غالباً به صرف کشف این گونه مواد از تصرف یا کنترل افرادی که به اتهام حمل یا نگهداری مواد مخدر و روانگردان تحت تعقیب قرار گرفته اند و با ملاحظه صورتجلسه کشف مواد توسط مامورین نیروی انتظامی و نیز ملاحظه نتیجه آزمایش مواد مکشوفه و احراز مخدر یا روانگردان بودن آن ، مسؤولیت کیفری متهمان اثبات می گردد. دفاعیاتی از قبیل عدم تعلق مواد به وی یا عدم آگاهی از مخدر بودن ماده مکشوفه عملاً تاثیری در تصمیم گیری دادگاه ندارد. تا قبل از لازم الاجرا شدن قانون آئین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۴ آراء صادره از دادگاههای انقلاب اسلامی به جز احکام در بردارنده مجازات اعدام قطعی بوده و احکام اعدامی نیز پس از تایید رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قطعی می گردید. بنابراین رویه قابل ذکری در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر اعم از رای اصراری یا وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور تا قبل از تاریخ مذکور مشاهده نمی گردد و از زمان لازم الاجرا شدن قانون جدید آئین دادرسی کیفری که آراء صادره از سوی دادگاه های انقلاب را با توجه به درجات پیش بینی شده در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاههای تجدید نظر استان و فرجام خواهی در دیوان عالی کشور شناخته شدند. رویه دادگاه های تجدید نظر در رسیدگی به پرونده های مربوط به مواد

مخدر که غالباً با موضوع حمل و نگهداری این گونه مواد تشکیل و مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، به گونه ای است که در صورت اثبات کشف مواد مخدر یا روانگردان از تصرف یا کنترل متهم، بزهکاری او احراز می‌گردد و دفاعیات احتمالی متهم مبنی بر اینکه از مخدر یا روانگردان بودن مواد مکشوفه بی اطلاع بوده از جهت اثباتی تأثیری در احراز بزهکاری او ندارد (غلاملو، ۱۳۹۷: ۱۵۸). البته در اغلب موارد ممکن است متهم ادعا کند که مواد مکشوفه به او تعلق نداشته و یا از وجود آن در تصرف یا کنترل خود بی اطلاع بوده که بر اساس رویه قضایی در دادگاه های بدوی و تجدید نظر به ندرت در اثبات این ادعا توفیق حاصل می‌گردد و بدیهی است در هر حال حتی در صورت توجه دادگاه به این گونه ادعاها یا دفاعیات، بار اثبات ادعا به عهده متهم قرار گرفته و مقام تعقیب و وظیفه ای جز این احساس نمی‌کند که اثبات نماید اولاً مواد به دست آمده از تصرف یا کنترل متهم کشف شده و ثانیاً در زمره مواد مخدر یا روانگردان می باشد و در واقع بار اثبات ادعا از مقام تعقیب برداشته شده و به عهده متهم قرار می‌گیرد. و اوست که با اثبات برخی شرایط، بی‌گناهی خود را اثبات می‌نماید، که در هر حال نتیجه چنین جایجایی در رکن روانی، عدول از اصل برائت است (Epstein; ۱۴۹: ۱۹۷۳).

اگرچه از تاریخ لازم الاجراء شدن قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۴، آراء وحدت رویه متعددی توسط هیات عمومی دیوان عالی کشور در ارتباط با جرایم مواد مخدر اصداریافته اما هیچ یک از آراء صادره ارتباطی با موضوع رکن روانی جرایم مواد مخدر نداشته و در خصوص آن سخنی به میان نیامده بلکه به موضوعاتی مانند صلاحیت دادگاه ها و عطف به ماسبق شدن قانون جدید به علت مساعدتر بودن به حال محکومان سابق پرداخته اند. شاید علت این سکوت این است که دادگاه ها و حتی دیوان عالی کشور در خصوص این موضوع که با وجود کشف مواد مخدر و روانگردان از کنترل یا تصرف متهم، مسئولیت او منوط به احراز سوءنیت است اتفاق نظر داشته و اختلافی حادث نشده که ورود و اظهار نظر دیوان عالی کشور لازم آید. اما در هر حال آراء بسیاری معدودی از هیات عمومی دیوان عالی کشور ما در خصوص موضوع مورد توجه برخی نویسندگان قرار گرفته است. از جمله رای شماره ۵ - ۱۳۶۱/۱۲/۱۳۶۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور که بیان نموده به موجب ماده یک قانون اصلاح قانون انحصار دخانیات مصوب سال ۱۳۱۰ خرید و فروش و نگهداری اجناس دخانیات

از جمله سیگار در انحصار دولت قرار گرفته و با توجه به ماده ۲۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، ارتکاب اعمال مزبور از طرف اشخاص، بدون دخالت و اجازه دولت در هر نقطه از کشور اعم از اینکه مرتکب وارد کننده بوده یا خیر و محل کشف، داخل مملکت یا در نقاط مرزی باشد قاچاق محسوب و مرتکب بصراحت ماده مذکور قابل مجازات است و به فرض وجود اشباه و نظایر سیگارهای خارجی در بازار، رافع مسئولیت جزایی مرتکب نخواهد بود (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۳۱۴).

لازم به توضیح است که شعب اول و دوم دیوان عالی کشور در مورد حمل اجناس دخانیه و لزوم علم و آگاهی مرتکب به قاچاق بودن این اجناس یا عدم لزوم آن آراء متفاوتی صادر نمودند زیرا شعبه هفتم دادگاه شهرستان اصفهان متهمان پرونده را که به اتهام حمل کالای قاچاق مورد تعقیب قرار داشتند با این استدلال که نظایر سیگارهای مکشوفه در بازار داخلی فراوان است و متهمان نیز اجناس را از بازار شهرستان زاهدان خریداری کرده‌اند تبرئه نموده و شعبه دوم دیوان عالی کشور دادنامه فرجام خواهی را عیناً تایید نمود. و در پرونده دیگری شعبه سوم دادگاه شهرستان اصفهان متهمان به ارتکاب جرم مشابه را به استناد مواد یک، سه و بیست و شش قانون مجازات مرتکبین قاچاق محکوم نمود و در نتیجه ی پژوهش خواهی وکیل متهمان، شعبه اول دادگاه استان اصفهان با این استدلال که پژوهش خواه اجناس را از بازار کرمان خریداری نموده و نظایر آن به حد وفور در بازار موجود است و دلیل و مدرکی دال بر اطلاع آنان از قاچاق و ممنوع الورد بودن کالاها وجود ندارد، ضمن نقص دادنامه پژوهش خواسته رای بر براءت متهمان صادر نمود. اما شعبه دوم دیوان عالی کشور با این استدلال که مقررات ماده ۲۶ قانون استنادی منحصر به افرادی نیست که در مرتکب جرم شده‌اند و وجود اشباه و نظایر اجناس در بازار داخلی رافع مسئولیت مرتکب نیست، دادنامه فرجام خواسته را نقص و پرونده جهت رسیدگی به شعبه هم عرض ارجاع گردید. شعبه سوم دادگاه استان اصفهان با تکرار استدلال شعبه اول آن دادگاه، مجدداً رای بر براءت متهمان صادر نمود. با توجه به اصراری بودن دادنامه اخیر، موضوع ابتدا در شعب کیفری دیوان مطرح گردید ولی با توجه به رای شعبه اول دیوان عالی کشور، موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور بررسی و منجر به صدور

رای وحدت رویه مورد بحث گردید. نکته مرتبط با بحث و قابل استناد از روند طی شده تا صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور این است که نهایتاً چنین نتیجه گرفته شد که عدم علم و اطلاع مرتکبین چنین جرائمی از قاچاق و ممنوع ورود بودن کالای مکشوفه موجب برائت آنان شده و انجام فعل مادی حمل و نگهداری اجناس ممنوعه موجب مسئولیت کیفری مرتکبین گردیده است.^۱

برخی از نویسندگان حقوقی با توجه به کارگیری برخی واژه ها و عبارت هایی مانند "به قصد متهم کردن دیگری" در بند ۹ ماده ۱ و ماده ۲۶ "و" "قصد تولید مواد مخدر یا روانگردان صنعتی" در ماده ۳ "اطلاع" و "اجازه" در ماده ۱۳ "به منظور استعمال مواد مخدر یا روانگردان صنعتی" در ماده ۱۴ "به قصد معتاد کردن" در ماده ۱۸ "و" نداشتن سوء نیت" در ماده ۲۱ و "با قصد" در ماده ۲۳ و "آگاهی" در ماده ۲۴ یا واژه "تعمداً" در ماده ۲۷ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۸۹ نتیجه گیری می نماید که قانونگذار ایران در جرایم مواد مخدر، رکن روانی جرم را شرط ضروری تحقق مسئولیت کیفری متهم دانسته (شاهچراغی، ۱۳۹۱: ۱۰۲) و رأی اصراری شماره ۱۴۰-۱۱/۱۰/۱۳۴۷ و رأی وحدت رویه شماره ۱۴-۱۳۵۱/۳/۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در تأیید این عقیده مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. بموجب رأی اصراری مورد استناد، معامله مخبر مرجع انتظامی با متهم مواد مخدر صوری تشخیص و رأی محکومیت چنین متهمی نقض گردیده که بیانگر ضرورت احراز رکن روانی بزه مورد بحث است. رأی وحدت رویه مذکور نیز بیان می دارد: ((وارد کردن حشیش به نحو متقلبانه و به مقدار زاید بر مصرف شخص مرتکب معتاد به داخل کشور از مصادیق لایحه اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب سال ۱۳۳۸ می باشد)). لازم به ذکر است سبب اینکه معمولاً در رویه قضایی کشورمان کشف مواد مخدر یا روانگردان از افراد منجر به محکومیت آنان می گردد، عقیده مقام تعقیب یا قضات دادگاه ها به مطلق بودن مسئولیت کیفری متهمان نبوده بلکه علت این است که حمل کنندگان

۱ ماده ۲۶ قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ بیان می دارد: ((خرید و فروش و نگهداری اجناس دخانیه و ادوات و اشیایی که به موجب قانون انحصار دخانیات مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ و قانون اصلاح مواد ۳ و ۴ آن مصوب ۱۹ آبان ۱۳۱۱، خرید و فروش و تملک آنها انحصار به دولت یافته، قاچاق محسوب و مرتکب به مجازات مقرر برای مرتکبین قاچاق اموال موضوع عایدات دولت محکوم می گردد)).

و دارندگان غالباً به ماهیت مواد تحت تصرف و کنترل خود علم و آگاهی دارند و قراین و امارات اقناع آوری بر علم و آگاهی آنان وجود دارد و در موارد استثنایی که متهم واقعاً فاقد آگاهی است با وجود قراین و امارات علیه وی قادر به اثبات این موضوع نمی باشد و بدیهی است متهم تا زمانی در پناه اصل براءت است که قراین و امارات، اصل یاد شده را مخدوش نمایند و در پرونده های بسیاری نیز متهمان به علت عدم آگاهی از وجود چنین موادی در تصرف خود و یا عدم آگاهی نسبت به ماهیت آن یا عدم تعلق مواد مکشوفه به خود برائت یافته اند.

۶. عدول از اصل براءت و سایر ادله مخالف مسؤولیت مطلق در جرایم مواد

مخدر

اصل براءت از اواخر سال نوزدهم میلادی تحت تاثیر آموزه های مکتب کلاسیک جایگاه خود را در حقوق کیفری کشورهای مختلف پیدا نمود ولی جایگاه آن را بسیار تاریخی تر از زمان پیدایش این مکتب می دانند. به عنوان مثال در حقوق روم ((آنتونیوس))^۱، یکی از دست پروردگان مکتب رواقی، به لزوم توافق قانون با مسؤولیت اخلاقی و مبتنی بودن مسؤولیت کیفری بر نیت مجرمانه و نتیجه مجرمانه اعتقاد داشت. در حقوق کیفری اسلام نیز جایگاه اصل براءت را باید در قاعده معروف درء جستجو کرد که علاوه بر دلالت روایات فراوان مستقیم و غیر مستقیم بر آن، برخی از فقهاء نسبت به آن ادعای اجماع نموده اند و بسیاری از فقهاء بابت اعمال این قاعده و جاری شدن مناط آن تفاوتی میان حدود و دیگر مجازات ها قائل نشده اند. در واقع باید گفت اصل براءت کیفری ریشه در اصل عملی استصحاب دارد. زیرا با ورود اتهام به متهم استصحاب عدمی به کمک او آمده و او را مبرا می سازد.

اصل براءت در حقوق اسلام از قدرت و نفوذ فوق العاده ای برخوردار است و در اسناد بین المللی و قوانین و رویه های قضایی کشورهای مختلف نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار گردیده به گونه ای که اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ هجری قمری سازمان کنفرانس اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد ۱۹۴۸، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با وسواس

1-marcus antonius

خاصی بر این اصل تاکید می‌ورزند (شمس ناتری، ۱۳۸۱: ۶۶). در کشور ما نیز اصل ۳۷ قانون اساسی که بصراحت آن را تعریف کرده و مورد تاکید قرار داده است؛ اما این اصل طلایی وزیر بنایی علیرغم حاکم بودن بردیگراصول و قواعد حقوق جزا در موارد خاصی قابل عدول است. در چنین مواردی وظیفه ارائه دلیل جابجا شده و بردوش متهم قرار می‌گیرد.

در حقوق کیفری اسلام نیز در مواردی اصل برائت قابل عدول بوده و جابجایی باراتبات ادعا صورت می‌گیرد. مبنای عدول از این اصل نیز در بسیاری از موارد همان مبنای توجیه آن است. نمونه بارز آن در حقوق کیفری اسلام در موارد قتل مشکوک موجب لوث است و در صورت حصول لوث وظیفه متهم است که جهت اثبات بی‌گناهی خود بین اقامه کند. در حقوق کیفری کشور ما که برگرفته از حقوق کیفری اسلام است مانند دیگر نظام های حقوقی موارد عدول از اصل برائت وجود دارد؛ از جمله: موارد دیگری که قانونگذار ایرانی مجرمیت را بر اصل برائت مقدم نموده ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر است که مصادره اموال متهمان بعنوان بخشی از مجازات ارتکاب این گونه جرایم قرار داده شده است (شمس ناتری، ۱۳۸۱: ۸۱). اما باید توجه داشت که تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت در برخی از قوانین کیفری ایران به معنای مطلق دانستن آن نیست و هیچیک از نویسندگان کیفری کشورمان جرم تصرف و نگهداری مواد مخدر و روانگردان را در زمره جرایم بدون تقصیر ندانسته اند زیرا شرط تحقق اینگونه جرایم احراز علم مرتکب به ماهیت مواد مکشوفه از وی می باشد (موحدی ۱۹۶: ۱۳۹۶). اگرچه در مواردی مانند ضبط اموال حاصل از قاچاق مواد مخدر یا وسیله نقلیه حامل مواد چنین برداشتی دور از ذهن نیست. دلیل عدم تمایل حقوقدانان داخلی به تفسیر جرایم مرتبط با مواد مخدر با دکتترین مسؤولیت مطلق نیز انتقادات اساسی و زیربنایی مطروحه نسبت به این رویکرد است. حتی حقوقدانان کشورهای داری نظام حقوقی عرفی نیز از همان ابتدا دکتترین جدید را آماج شدیدترین انتقادات خود قرار داده اند. از جمله مهمترین انتقادات وارده اینست که رویکرد جدید با عدالت و اصل برائت که در زمره مهمترین دستاورد های حقوق بشری بوده و همانند رشته ای طلایی در تاروپود هر نظام کیفری می درخشد در تضاد کامل است و پسندیده نیست فرد را بدلیل انجام رفتاری که ماهیتا قابل سرزنش نیست مجازات نمود (Duff, R.A, ۱۹۵: ۲۰۰۵). دومین

انتقاد اینست که چنین نگرشی نه تنها موجب تقویت جنبه پیشگیرانه مجازات نشده که انگیزه افراد در رعایت موازین قانونی را کاهش می دهد زیرا هرگاه افراد بدانند هر قدر هم در رعایت اوامر و نواهی قانون دقت و تلاش نمایند باز هم مسؤول بوده و مجازات می شوند، انگیزه ای برای رعایت احتیاط لازم نخواهند داشت. نبود ضابطه دقیق و جامع در تمیز جرایم مسؤولیت مطلق از دیگر جرایم و در نتیجه دخالت و تأثیر سلیقه و عقاید شخصی قضات در رسیدگی به پرونده ها نیز از جمله موانع و انتقادات وارده است زیرا ممکن است در موضوع واحد آرای متهافتی از محاکم متعدد صادر گردیده و زمینه تضییع حقوق متهمان فراهم آید. شدت بسیار زیاد مجازاتهای قانونی مرتکبین جرایم مواد مخدر در کشور ما یکی از مهمترین موانع تفسیر آن با رویکرد جدید است چراکه از جمله مهمترین توجیحات طرفداران دکترین مسؤولیت مطلق، سبک بودن مجازاتها بوده و عمدتاً مجازات را مالی و دارای جنبه جبران خسارت می دانند در حالیکه قانون مبارزه با مواد مخدر ایران چنین ویژگی را ندارد (Ashorth, 2013: 24, 57). امروزه حتی در نظام های کیفری کامن لو نیز اغلب نویسندگان و حقوقدانان با رویکرد مورد بحث منتقدانه روبه رو شده و سعی در هرچه محدود کردن دامنه نفوذ آن دارند و حتی سخن از رویکرد بازگشت به رویکرد مسؤولیت اخلاقی و مرگ جرایم بدون تقصیر و جایگزینی آن با مفاهیم مسامحه و غفلت به میان آورده اند (Gerhart, 2008: 246). بنابراین منطبق با دکترین مسؤولیت مطلق دانستن جرایم مواد مخدر در کشور ما متکی به دلیل و منطق حقوقی نبوده و قابل توجیه بنظر نمی رسد.

برآمد

عدول از مسؤولیت کیفری مبتنی بر تقصیر که به طور مبنایی بر قابلیت سرزنش مرتکب به خاطر رفتار ارتكابی مبتنی است، موجب شکل گیری جرایم با مسؤولیت مطلق شده که در هر حال و با هر توجیهی، با نظریه کیفری مبتنی بر تقصیر که پایه و اساس حقوق کیفری سنتی را تشکیل می دهد ناسازگار است. خصوصاً این که تلاش های انجام شده برای موجه سازی این دسته از جرایم نوظهور، در غیاب یک نظریه جامع کیفری جدید همچنان وصله ای ناجور به کلیت نظریه کیفری مبتنی بر تقصیر و قابلیت سرزنش کردن مرتکب است. سرزنش پذیری را هر چه قدر هم به صورت کلی تعبیر کنیم، نمی تواند اعمال مجازات را صرفاً در قبال ارتکاب یک رفتار مادی روا داشت. اگرچه این دیدگاه ابتداً از جرایم در زمینه تولید، تهیه و توزیع مواد خوردنی و آشامیدنی، موضوعات بهداشت و درمان ظهور نمود اما به تدریج به رفتارهایی سرایت کرد که ارتکاب آنها مجازات های سنتی و شدیدی را بر مرتکبان تحمیل می کرد. جرایم مربوط به تصرف و کنترل نسبت به برخی از اشیا و اجناس خطرناک از جمله سلاح و مهمات، مواد مخدر و روانگردان و کالا و داروهای ممنوعه از این قبیل موارد بودند.

اصل این است که جرایم مقرر در کامن لای سنتی نیازمند عنصر روانی و احراز آن در مرحله رسیدگی اند اما در آن دسته از رفتارها که ماهیت «تنظیم گری» دارند و توسط قانونگذاری ممنوع اعلام می شوند، بنابر توجیهاتی ممکن است جرم مبتنی بر مسؤولیت مطلق باشد. از جمله مهمترین این توجیهات، ناتوانی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر و مفهوم سنتی مسؤولیت کیفری در صیانت از ارزش ها و ضروریات زندگی انسانها در جوامع صنعتی و دشواری و حتی ناممکن بودن اثبات رکن روانی و در نتیجه به خطر افتادن مصالح و منافع عمومی به طور جدی است. در هر حال علیرغم انتقادات مخالفان، دکترین مسؤولیت مطلق کیفری چه در رویه قانونگذاری و چه در رویه دادگاه ها با اقبال مواجه گردیده و برخلاف فلسفه نخستین خود نه تنها جرایم کم اهمیت با مجازات های سبک که در مواردی هم جرایم عرفی و حقیقی و با مجازات های سنگین را نیز دربرگرفت. یکی از مهمترین جرایمی که در حقوق انگلستان از این دیدگاه متأثر گردید جرایم مربوط به مواد مخدر و روانگردان است و تحت تأثیر کنوانسیون ها و اسناد بین المللی از جمله کنفرانس بین المللی شانگهای در سال ۱۹۰۹، پروتکل ها و قطعنامه های

سازمان ملل متحد در سال های ۱۹۶۱، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۸ و دیگر برنامه های این سازمان و بنا به درک ضرورت و اهمیت موضوع مواد مخدر و روانگردان که تهدیدی جهانی بوده و بویژه این کشور را که بدترین وضعیت را در بین کشورهای اروپایی از این جهت داشته به اتخاذ سیاست جنایی سختگیرانه و برپایه مسؤولیت مطلق کیفری بنا نمود.

برخلاف انگلستان، دکتترین مسؤولیت مطلق کیفری در حقوق کیفری کشور ما موضوعی تقریبا ناشناخته بوده و نویسندگان بسیار معدودی بطور ویژه به بررسی این نهاد پرداخته اند و دادگاه ها نیز از لحاظ نظری با ابعاد و ویژگی های این رویکرد آشنایی کافی ندارند؛ اما با عنایت به جایگاه اصل برائت در قانون اساسی و قوانین عادی و با عنایت به ویژگی های قانون مبارزه با مواد مخدر کشورمان از جمله شدت بسیار زیاد مجازاتهای مربوطه بگونه ای که حمل و نگهداری مقادیر کمی از مواد مخدر و روانگردان با حبس های بلند مدت و حتی سلب حیات مجازات می گردد و نبود نص صریح و قراین و اماراتی که حاکی از اراده قانونگذار در جرم انگاری اینگونه رفتارها برپایه دکتترین مسؤولیت مطلق باشد، نمی توان جرایم مواد مخدر در ایران را در زمره این دسته از جرایم تلقی کرد.

پیشنهادها

- هرگاه در عبارات مربوط به جرم خاصی واژه هایی که حاکی از ضرورت احراز عمد در انجام آن رفتار باشد ذکر نشده اما در دیگر مواد آن قانون چنین واژه هایی قید گردیده باشد به احتمال فراوان آن جرم از جمله جرایم با مسئولیت مطلق است.
- هرگاه در برخی مواد از یک قانون استفاده و توسل به دفاع عدم غفلت پیش بینی شده اما در ماده مورد بحث چنین دفاعی پیش بینی نگردیده بیانگرایست که که جرم مورد نظر جرایم با مسئولیت مطلق است.
- هرگاه در یک ماده از قانون مورد مطالعه، این دفاع برای متهم پیش بینی شده که عقیده معقولی را اثبات نماید در حالیکه در دیگر مواد آن قانون چنین دفاعی پیش بینی نشده ماده مورد بررسی، جرم با مسئولیت مطلق ایجاد نموده است. مانند ماده ۵ قانون جرائم جنسی سال ۲۰۰۳ کشور انگلستان.

منابع

الف) فارسی

- احدی، فاطمه، ۱۳۸۹، **مفهوم و قلمرو جرائم با مسئولیت مطلق**، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۲، شماره ۵.
- حسنی، محمد ۱۴۰۰، **مسئولیت کیفری مطلق در جرائم یقه سفیدان**، حقوق اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۶۸.
- جانی پور، مجتبی و عباسی، مجتبی، ۱۳۹۲، **بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشکی**، مطالعات حقوقی معاصر، دوره ۴، شماره ۶.
- شاهچراغ، سید حمید، ۱۳۹۱، **بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر حقوق کامن لو**، مجله حقوقی دادگستری دوره ۷۶، شماره ۷۸.
- شقایقی، محمد صادق، ۱۳۹۴، **مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه**، منتشر شده سایت حقوقی اختبار.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، ۱۳۸۱، **اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری**، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شماره ۱۴.
- عبداللهی، اسماعیل، ۱۳۹۳، **درس‌هایی از فلسفه کیفری؛ درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های کیفری ایران و انگلستان**، تهران: انتشارات خرسندی.
- علیمردانی، آرمین و همکاران، ۱۳۹۴، **سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجدهم**، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در تاریخ، شماره ۱۵.
- غلاملو، جمشید، ۱۳۹۷، **تحلیل عوامل بی عدالتی کیفری در جرائم مواد مخدر**، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۳.
- کرامتی معز، هادی و حسن آبادی، عبدالرحمن، ۱۴۰۰، **سیاست کیفری سخت گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مهرکلام.
- لولاچی، لیلا و عبداللهی، افشین، ۱۳۹۶، **مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری کاربردی**، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

محسنی، مرتضی، ۱۳۷۶، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، تهران: چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.

میرخلیلی، سید م حمود و سالاری فر، ابوذر، ۱۳۹۶، *بازنگری رکن روانی جرم در جرائم زیستی و نگاه اسلام به آن*، فصلنامه پژوهش های اعتقادی - کلامی، سال هفتم، شماره ۲۸.

(ب) انگلیسی

A.Epstein,Richard (۱۹۷۳). *A theory of strict liability*, journal of legal studies,vol۱۵۱.

Duff, R. A. (۲۰۰۷). *Answering for crime: Responsibility and liability in the criminal law*. Bloomsbury Publishing.

Elliot, C., & Quinn, F. (۲۰۱۰). *Criminal Law*. ۱۰th edition, pearson.

Gerhart,Peter.M;The death of strict liability,Buffalo Law review -۲۰۰۸vol-۵۶Number۱,P۲۴۶.

Herring, J. (۲۰۱۳). *Criminal Law Statutes* ۲۰۱۳-۲۰۱۲. Routledge.

Loveless, J., Allen, N., & Derry, C. (۲۰۱۲). *Complete Criminal Law*. ۳th edition, oxford univer sity press.